

# جنگ ایران و عراق :

## نوطه‌ای علیه خلفهای دو کشور

سرانجام درگیریهای بظاهر مرزی، پراکنده و کوچک بین ایران و عراق در ماههای گذشته تبدیل به جنگی تمام عیار گردیدند که از طرف دولتهای مرتجع ایران و عراق به خلفهای زحمتکش و فقیر هر دو کشور تحمیل شد.

دول مرتجع عراق و ایران در این چند روزه با بکارگیری کلیه جنگ افزارهایی که از زرادخانه های امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم تهیه کرده بودند و با بمباران کلیه مناطق صنعتی و نفتی یکدیگر به انهدام کلیه تأسیسات مزبور پرداختند - تأسیساتی که بیهای استثمار زحمتکشان در هر دو کشور برپا شده و خسارات ناشی از این جنگ غیر عادلانه نیز بی شک بر کرده زحمتکشان ایران و عراق سنگینی خواهد کرد.

اختلافات بین دو کشور سابقه ای طولانی داشته که منشأ آن از یکطرف در شونیم و ناسیو نالیسم عرب و از طرف دیگر در برتری طلبی و نقش ژاندارمی رژیم جلا شاه تا قبل از قیام نهفته بود. رژیم عراق از زمانی که احتمال روی کار آمدن یک رژیم جمهوری اسلامی در ایران را پیش بینی میکرد (پیش از سفر آیتاله خمینی به پاریس) نسبت به این مسئله شدیداً حساسیت نشان میداد و حاضر بود با شاه هم دست شود و علیه انقلاب خلفهای ایران توطئه کند. علت این وحشت را در تأثیر چیدبیری شیعیان عراق از انقلاب ایران با رهبری منتهی (شیعی) باید دید. (ضمیمه شماره ۱ پیکار ۴۹)

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی دولت بعث عراق به تحریکات و سیبه های خود بعد سمپتتری بخشیده و به طراحی و اجرای عملیات تروریستی و انفجار تأسیسات نفتی در منطقه خوزستان دست زد. از طرف دیگر سردمداران حکومت جدید ایران نیز با حرکت از ماهیت انحصار طلبانه و مرتجع خویش و با لاف زدنیهای کودکانه و احمقانه خویش مبنی بر باصلاح صدور "انقلاب اسلامی" بخارج از مرزهای ایران نه تنها کوچکترین گامی در جهت حل و فصل اختلافات از طریق مذاکرات بر نداشته بلکه بر عکس با بنفشیانی و حمایت از گروهکهای مرتجع و وابسته با امپریالیسم عراقی از قبیل "صوت الدعوه" و ... در امور داخلی عراق دخالت نموده و به تشدید این اختلافات دامن زده است.

دولت فاشیستی عراق که منتظر شرایط مناسبی برای تلافی و تحقق بخشیدن بخواسته های سلطه جویانه و شوونیستی خود بر منطقه خلیج فارس بود با استفاده از ضعف دولت جمهوری اسلامی که خود منتج از ماهیت ضد مردمی آن میباشد - سیاست خود را در بعد جدیدی و این بار بصورت حمله گسترده نظامی ادامه داده و مناطق غربی و جنوب غربی ایران را مورد تعرض نظامی قرار داد.

برای ارزیابی از این جنگ تعیین کننده این نخواهد بود که کدام یک از طرفین متخاصم اولین گلوله را شلیک نموده اند، بلکه فاکتور تعیین کننده همانا ماهیت طبقاتی دول متخاصم و اهدافی است که طرفین با برآه انداختن این جنگ دنبال مینمایند. جنگی که بین دول عراق و ایران در جریان است جنگی است ماهیتاً "ارتجاعی"، ضد خلقی و ضد انقلابی که بواسطه سردمداران مرتجع دولتهای خلفها و زحمتکشان دو کشور تحمیل گردیده - جنگی است غیر عادلانه که نه در خدمت منافع توده ها و زحمتکشان کشورهای ایران و عراق، بلکه منحصاً "در خدمت توجیه و تحکیم حکومتهای مرتجع و ضد خلقی دو کشور میباشد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اهداف مشترک دولتین ایران و عراق از این جنگ منحرف کردن افکار توده‌های زحمتکش این دو کشور از علل واقعی مشکلات اقتصادی - سیاسی و فقر و درماندگی و دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی و در نتیجه بسیج زحمتکشان بحول محورسیاستهای ضدانقلابی خویش میباشد .

رژیم جمهوری اسلامی که با وجود گذشت حدود دو سال از حاکمیت خود نتوانسته به ابتدائی ترین خواسته‌های زحمتکشان پاسخ مثبت بدهد هرگونه حرکت اعتراضی و خواست بحق زحمتکشان شهر و ده و خلقهای تحت‌ستم و بی‌سپاه پیش آنان خلق دلاور کرد را با ترور و قهر فاشیستی سرکوب نموده و اعتماد بخش وسیعی از توده‌های مردم را از دست داده، سعی بر آن دارد که از جنگ با عراق برای جلب مجدد اعتماد توده‌ها و دامن زدن به توهمات آنان حداکثر بهره‌برداری را بنماید. هیأت حاکمه در صدد است که با بستن زدن بتبلیغات دامنه‌دار و طرح این مسأله که " اسلام در خطر است " و جنگ بین " کفرو اسلام " در جریان است، ارتش و پاسداران را تطهیر نموده و بر سا بقه‌سیاه ارتش و جنایات دو سال اخیر سپاه پاسداران بخصوص در ترکمن صحرا و کردستان برده سا ترا فکند .

وظیفه انقلابیون و بخصوص انقلابیون کمونیست در این مقطع حساس تاریخ میهن ما این نیست که دنیا له روسیاستهای شوونیستی - ناسیونالیستی و ضد خلقی هیأت حاکمه شده بلکه رسالت تاریخی آنان در این امر نهفته است که با افشاگری ماهیت طبقاتی و ضد خلقی دول متخاصم و جنگ تحمیلی و تشکیل و تحکیم صف مستقل انقلابیون و زحمتکشان جنگ ضد خلقی را بمبارزه‌ای برای پیشبرد امر انقلاب تبدیل نموده و با شرکت فعال و مسلحانه برای عقب نشاندن مهاجمین عراقی ، اهداف ارتجاعی رژیمهای ایران و عراق را بیه خلقهای ستمکش توضیح داده و جبهه واقعی انقلاب را هر چه بیشتر گسترش و استحکام بخشد . لازم پیشبرد این سیاست صحیح و انقلابی افشای بی امان دارو بسته‌های ریویزیو - نیست و خائنی چون " کمیته مرکزی حزب توده " ، " رهبری اکثریت چریکها " ، " حزب رنجبران " و ... میباشد که مانند همیشه وظیفه تقدیر و تبلیغ ضد انقلاب را بعهده گرفته و تمام کوششان برای این است که با تحمیل توده‌ها و تا " بیبهمه جان به سیاستهای رژیم ضد خلقی و تبلیغ جنگ ارتجاعی یعنی - " جنگ میهنی " ، زحمتکشان را به گوشت دم توپ بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه‌سنتی تبدیل نمایند . جنگ غیر عادلانه بین ایران و عراق جنگی است که جدا از خواست طرفین متخاصم در خدمت منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و کلیه مرتجعین جهان میباشد ، چه این جنگ زمینه توسعه نفوذ و سلطه غارتگران جهانی را در هر دو کشور مساعدتر نموده و باعث رونق تجارت اسلحه که خود وسیله‌ای برای غارت ثروت‌های ملی کشورهای فقیر میباشد ، میگردد . خلقهای مبارز ایران و عراق ! انقلابیون و کمونیستهای ایران و عراق !

صفوف خود را فشرده کرده و با تقویت همبستگی انقلابی زحمتکشان هر دو کشور جبهه ارتجاعی و ضد مردمی جنگ تحمیلی و رژیمهای متخاصم را افشاء نموده و با تمام نیرو برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز که فقط در خدمت امپریالیسم و ارتجاع میباشد متحدانه گام بردارید !

برقرار باد وحدت رزمنده بین توده‌های زحمتکش ایران و عراق و کلیه  
خلقهای عرب !

۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰

هیات مسئولین موقت اتحادیه جهانی دانشجویان و  
محلین ایرانی در خارج از کشور

( هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر )